

سر مقاله

سیاست اهانت به مقدسات دینی در رسانه‌های غربی

حوادث تروریستی یازدهم سپتامبر با وجود نقش مشکوک سازمان‌های جاسوسی سیا و موساد، به گونه شگفت‌آوری به سازمان تروریستی القاعده و بعد به تمام مسلمانان نسبت داده شد و کمترین هزینه‌ای که مسلمانان برای این عملیات تروریستی مشکوک پرداختند اشغال دو کشور افغانستان و عراق بود و سپس دولت‌های غربی با کمک رسانه‌های آمریکایی - صهیونیستی، تبلیغات شدیدی را مبنی بر خشونت‌گرایی آموزه‌های اسلامی و پیروان آن، در سراسر غرب به راه انداختند که همین امر موجب نقض حقوق اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غربی شد.

در راستای همین سیاست اسلام‌هراسی، در چند ماه گذشته کشورهای اسلامی و مسلمانان، از سوی رسانه‌های غربی با موجی از اهانت به مقدسات دینی و اِسائه ادب نسبت به پیامبر گرامی اسلام[●] روبه‌رو بوده‌اند که در مقابل این اهانت‌ها به‌ویژه ساخت فیلمی موهن و در عین حال غیرحرفه‌ای و آماتور درباره زندگی پیامبر[●]، مسلمانان نیز در سراسر جهان حتی در کشورهای غربی اغلب با تظاهرات نسبتاً آرام خود، واکنش جدی از خود نشان دادند و آن‌گونه که از شواهد و قراین پیداست، این عمل نابخردانه و غیر انسانی، نه به عنوان یک رخداد مقطعی بلکه به عنوان یک سیاست در کشورهای غربی در حال انجام است. نمونه دیگر این اهانت‌ها انتشار کاریکاتور موهن نسبت به پیامبر[●] در کشور فرانسه و بعد اسپانیا بود. عجیب این‌که «مانوئل والس» وزیر کشور فرانسه به مسلمانان این کشور که بیشترین جمعیت مسلمان در کشورهای اروپایی را در خود جای داده

است، نه تنها اجازه برگزاری تظاهرات را نداده است، بلکه آنان را به اخراج از کشور تهدید کرده است! «وی اعلام کرده است که فرانسه هرکس را که به قواعد سکولار این کشور احترام نگذارد و به نام اسلام، امنیت را به خطر بیندازد، اخراج خواهد کرد.»^۱

صرف نظر از این که نقش سرمایه گذاران و غول های رسانه ای صهیونیست در پشت صحنه این جریان خطرناک چیست و صهیونیست ها چه بهره ای از تقابل میان اسلام و غرب می برند، این که آیا دولت های غربی خود قربانی یک توطئه صهیونیستی هستند و یا آنان نیز از این سیاست اهانت به مقدسات ادیان الهی به ویژه اهانت مستقیم به پیامبر گرامی اسلام - با وجود کشورهای اسلامی دارای موقعیت استراتژیک سیاسی، امنیتی و اقتصادی و منابع سرشار زیرزمینی به ویژه منبع استراتژیک نفت - سود می برند، مسئله قابل توجهی است و از زوایای گوناگون به ویژه از نگاه حقوقی قابل بررسی است.

در جامعه جهانی کنونی برخی کشورها از جمله ایران که بر پایه قوانین اسلامی بنا نهاده شده است و کشورهایی مانند انگلستان که تا حدودی بر مبنای نظام کامن لا اداره می شود، نسبت به مقدسات دینی به نوعی حمایت های قانونی را اعمال می نمایند، و پاره ای دیگر از کشورها چنین حمایتی را پیش بینی نکرده و جرم شناختن توهین به مقدسات را مخالف آزادی بیان و حقوق بشر می - پندارند.

از دیدگاه بسیاری از فقهای شیعه و اهل سنت، توهین به سایر پیامبران الهی • نیز جرم محسوب می شود (شهید ثانی، ج ۱، ص ۱۵۸).^۲ تا آن جا که بعضی از فقهای شیعه درباره این مسئله ادعای اجماع نموده اند (ابن زهره، ۱۴۱۷ق، ص ۲۲۳).

در نظام حقوقی کامن لا^۳ نیز که بسیار متأثر از حقوق کلیسایی است و هم اکنون بعضی از کشورهای غربی از جمله انگلستان و آمریکا از این نظام تبعیت نسبی دارند، از دیرباز توهین به مقدسات با عنوان "Blasphemy" جرم شناخته شده است. اما با کمال تعجب، در این نظام حقوقی فقط نسبت به مقدسات دین مسیحیت حمایت های جدی اعمال می گردد و مقدسات سایر ادیان الهی مورد پشتیبانی حقوقی قرار نمی گیرد که این امر حتی انتقاد شدید حقوق دانان غربی را نیز برانگیخته است.

۱- به نقل از سایت خبری فردانیوز: ۹۱/۷/۶

۲- «لو سبّ النبی قتل الساب و کذا القول فی سبّ باقی الانبیاء...»

3. Common law

البته بر اساس ماده ۷۹ قانون عدالت کیفری و مهاجرت انگلستان مصوب هشتم ژولای سال ۲۰۰۸،^۱ قانون اهانت به مقدسات (Blassphemy) در منطقه انگلستان و ولز لغو شد، اما در برخی از کشورهای غربی هم‌چنان جرم بودن این عمل به اعتبار خود باقی است.

علاوه بر این، در کشورهای اروپایی، جرم دیگری با عنوان جرایم مبتنی بر تنفر مذهبی و نژادی^۲ وجود دارد که در صورت تحقق شرایط حقوقی خاص خود، می‌تواند مبنای پیگرد کیفری کسانی باشد که به مقدسات و عقاید دینی مسلمانان اهانت می‌کنند.

توجه به این نکته لازم است که اصولاً «توهین» از سنخ بیان نیست تا به بهانه آزادی بیان بتوان از آن دفاع نمود بلکه یک «عمل مجرمانه» است، چون در تمام نظام‌های حقوقی که به صورت رسمی آزادی بیان را پذیرفته‌اند، اهانت به دیگران ممنوع اعلام شده است و این اهانت می‌تواند نسبت به خود شخص باشد و یا به اعتقادات وی و این موضوع نسبی است؛ یعنی به تناسب اختلاف عرف و فرهنگ‌های مختلف، متفاوت خواهد بود. بنابراین، در کشورهای اسلامی که مردم آن تعلق خاطر شدیدی به دین و مقدسات دینی دارند، اهانت به مقدسات نیز با اخلاق و نظم عمومی در تعارض است.

از این رو، به نظر می‌رسد فلسفه جرم‌انگاری توهین به مقدسات در حقوق اسلام، همانا تضاد آن با «نظم و اخلاق عمومی» است، زیرا در یک جامعه مبتنی بر «حکومت دینی»، با توجه به تعلق خاطر شدید افکار عمومی پیروان ادیان الهی به مقدسات و رهبران دینی که علاوه بر دارا بودن شخصیت حقوقی خاص، از شخصیت حقیقی ویژه‌ای نیز برخوردارند، چگونه ممکن است اهانت به مقدسات با عنوان حق آزادی بیان روا شمرده شود؟!

بنابراین، ممنوعیت توهین به مقدسات، از جمله ممنوعیت اهانت به پیامبران الهی، به دلیل برخورد آن با نظم و اخلاق عمومی، در کشورهایی که این جرم را به رسمیت شناخته‌اند (به ویژه کشورهای اسلامی)، کاملاً با قوانین بین‌المللی مربوط به حقوق بشر سازگار است.

در ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر بر نقش محدود کننده «مقتضیات صحیح اخلاقی» و «نظم عمومی»، تأکید شده است.^۳

1. Criminal Justice and Immigration Act 2008.

2. Hate Crimes

۳- برای مطالعه بیشتر در این زمینه، ر.ک.: هاشمی، سید حسین، ارتداد و آزادی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ۱۳۸۶، ص ۱۴۶ - ۱۵۶.

از این رو لازم است آن دسته از کشورهای غربی مانند آمریکا، دانمارک، هلند، فرانسه و اسپانیا که از طرق مختلف از جمله ساخت فیلم‌ها و طراحی کاریکاتورهای موهن، احساسات جمع زیادی از مسلمانان جهان را جریحه‌دار کرده‌اند بدانند که عمل آنان مطابق عرف مسلمانان، اهانت‌آمیز است و بدین جهت از نگاه حقوق بشری و حقوق داخلی برخی از این کشورها نیز، نقض حقوق اقلیت‌های دینی به شمار می‌آید. کمترین انتظار مسلمانان در این خصوص عذرخواهی رسمی این دولت‌ها، محاکمه و پیش‌گیری از ارتکاب مجدد چنین رفتارهای تحریک‌آمیز بر ضد مذهب و نیز جلوگیری از انتشار این دست آثار توهین‌آمیز در سطح رسانه‌های عمومی است، زیرا به زودی برای کشورهای غربی نیز ثابت خواهد شد که پیروی از سیاست تقابل اسلام و غرب، تنها به سود صهیونیست رسانه‌ای و رسانه‌های صهیونیست خواهد بود و این موضوع حتی با منافع ملی کشورهای غربی نیز در تعارض است.

منابع و مأخذ

۱. ابن زهره، ابوالمکارم، غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع، مؤسسه الامام الصادق •، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۲. سایت خبری فردا نیوز، ۹۱/۷/۶.
۳. شهید ثانی، زین‌الدین الجبعی العاملی، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، انتشارات بصیرتی، قم، ج ۱.